

مردان هياهو می کنند زنان ریاست می کنند

دکتر عباس عطّاری کرمانی

نشر پیکان

تهران، ۱۳۸۵

عطاری کرمانی، عباس، ۱۳۱۹ -

مردان هیاو می‌کنند، زنان ریاست می‌کنند / عباس عطاری کرمانی؛ ویراستار
سمیرا نجد سمیعی. - تهران: پیکان، ۱۳۸۴.

ISBN 964-328-469-7

ص. ۵۵۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۵۵۵ - ۵۵۸.

۱. زناشویی - روابط - مسائل متفرقه. ۲. زناشویی - جنبه‌های اخلاقی.

۳. زناشویی (روانشناسی). الف. عنوان.

۳۰۶/۸۱

۴ م ۶ ع / ۷۴۳ HQ

۴۳۰۷۱-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



مردان هیاو می‌کنند، زنان ریاست می‌کنند

دکتر عباس عطاری کرمانی

ویراستار: سمیرا نجد سمیعی (samira_samii@yahoo.com)

حروفچین: سمید شبستری

طراح جلد: سارا کریمی

لیتوگرافی: بهار

چاپ: چاپخانه زیبا

صحافی: پیکان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۵

تیراژ: ۲۰۰۰

حق چاپ و نشر این اثر برای نشر پیکان محفوظ است.

دفتر نشر و پخش: تهران، خ. شهید بهشتی، خ. اندیشه، اندیشه ۳ شرقی، شماره ۱۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۴۴۹۲۳۷-۹

www.paykanpress.com

پیشگفتار

«بعضی از کتابها را باید چشید، بعضی را بلعید
و خیلی را، هم بلعید و هم هضم کرد.»
(فرانسیس بیکن)

پس از اینکه کتابهای رموز موفقیت و خوشبختی و اینگونه فرزندان را
تربیت کنید انتشار یافت، با استقبال پر شور و احساسات محبت آمیز
دوستان و همکاران و دانشجویان و فرهنگیان و اقشار مختلف جامعه
مواجه شدم که با ارسال نامه و پیام رایانه ای این جانب را مورد محبت قرار
دادند. از سویی دیگر، اصرار همکاران و همچنین نیاز دنیای امروز برای
داشتن یک زندگی آرام و بدون تنش بر مبنای مساوات و برابری و
همکاری و تعاون، این جانب را بر آن داشت که فیشهای سالهای گذشته را
جمع آوری کنم و با سرعت و صرف وقت بیشتر، تا نیمه های شب
به نوشتن این کتاب که در حقیقت تفسیر و توضیح بیشتری بر کتاب قبلی
این جانب، رموز موفقیت و خوشبختی از نشر پیکان می باشد، پردازم، تا
کتابی جامع و مفید برای کلیه طبقات جامعه به رشته تحریر درآید.
از آنجایی که بدون تردید، محبتی را که در خانواده به دنبال آن هستیم و

آن را اساس و بنیان رشد و سعادت خانوادگی می‌دانیم، اول باید در دل زنان و شوهران جستجو کنیم. چرا که مقصود از محبت و مهر، عشق است، نه فقط عشقی که برخاسته از شهوت و فریب، یا مجازی باشد.

عشقهایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

چنین ننگهایی در جهان زیاد به وقوع می‌پیوندد و اخبار گوناگونی از عاقبت‌های ننگین و فجایع سنگین خانوادگی در مورد جدایی، متارکه، طلاق، خیانت، قتل و انتحار به گوش می‌رسد که انسان دچار حیرت می‌شود و به این می‌اندیشد که آیا وظیفه اشرف مخلوقات و احسن الخالقین در این دنیا همچون حیوانات خوردن، خوابیدن و گشنی کردن بوده است یا رسالتی خطرتر به عهده دارد؟! مولوی در کتاب مثنوی معنوی^۱ تمثیلی آموزنده دارد؛ قصه شیرین عاشقی است که در خانه معشوقش رفت و در زد و گفت: «منم». معشوق در را باز نکرد زیرا او از خودش حرف می‌زد و «من» یا «منیت» را بر زبان راند. یعنی در فکر خودش بود و خودکامی بر او تسلط داشت. معشوق در نگشود و او را براند، پس نومید برگشت و سالی در هجران یار سوخت تا پخته گشت و به راز مهر پی برد و بیاموخت که به فکر خود بودن در عاشقی خطاست. بلکه باید به فکر یار و معشوق بود. سال بعد با این تهذیب درونی برگشت و در خانه یار را کوید و این بار گفت: «تویی». به عبارت دیگر «من» در معشوق حل شد و «تو» را به وجود آورد. یعنی وجود او را بر خود مقدم دانست.

هر کس حقوقی دارد اما بعضی حقوق در دل آدمی است؛ در هیچ کتاب

۱. برای اطلاعات بیشتر به کتاب عشق، عشق... باز هم عشق، تألیف این جانب از نشر آسیم مراجعه کنید.

و قانونی با پاداش و مجازات به مفهوم مهر و محبت نمی‌توان راه یافت. به قول نویسنده انگلیسی «قانون ملت را نمی‌سازد، بلکه ملت است که قانون را می‌سازد». این مطلب در مورد همه ما صادق است. در مورد افرادی که ذوق حق در نهادشان نباشد، از قانون کاری ساخته نیست.

همان‌طور در کتاب راهنمای ازدواج و طلاق نوشتم، وای از آن روزی که در خانواده‌ها به جای مهر، محبت، گذشت، ایثار، فداکاری و همکاری، برابر قانون زندگی شود. یعنی یک کتاب قانون را شوهر در بغل بگیرد و یکی را زن همراه داشته باشد و هریک وظایف دیگری را به موجب مواد قانون و با تهدید دیگری تعیین نمایند. زندگی در چنان خانه‌ای قانونی، ولی عاری از حقیقت است؛ یک زندگی روزمره و زهرآگین خواهد بود.

شادروان توفیق فکرت، شاعر بزرگ و حساس ترکیه شعری بسیار مؤثر در این زمینه دارد. سرگذشت خواهر اوست که وی را بر خلاف میلش به شوهری بی‌مروت و بی‌همت دادند. آن مرد با اینکه در ظاهر هرگز رفتاری خلاف قانون بروز نمی‌داد، هر لحظه قلب همسرش را با حرکات و اعمال ستمگرانه نامشهود و خالی از عاطفه می‌شکست. به عبارت ساده‌تر «زن‌آزار» بود. به طوری که همسرش بیمار شد و از غصه دق کرد و در جوانی از دنیا رفت. شاعر می‌گوید: «ای خواهر من! تو فدای جنایتی شدی که قوانین نامی بر آن ننهادند ولی قانون وجدان آن را لعن و نفرین می‌کند!»

آلفرد دو موسه، شاعر عاشق‌پیشه فرانسه نیز شعری جذاب در باب آزار و اذیت خویش از جانب معشوق دارد و می‌گوید: «ای کاش می‌دانستم که رنج زندگی مشترک با تو چه اندازه جانکاه است تا در نگاه شهوت‌انگیز تو خود را غرق نمی‌کردم و حلقه دامادی را بر گردن نمی‌نهادم که پس از پایان مراسم عروسی، ماری خوش‌خط و خال در آستین یابم که از ترس او

هیچ‌گاه آسودگی خیال نداشته باشم و همواره مار غم و اندوه چنبر وار احاطه‌ام کرده باشد و...» در انتهای شعرش می‌نویسد: «روحم، احساسم، غرورم، حتی وجدانم از دست من رفت و اکنون وقت آن است که به ندای آسمان گوش فرادهم و تنها تسلی‌ای که برای من باقی مانده، این است که گاهی با خود و نزد خود بگیریم!»

قرن حاضر با تمام پیشرفتهای شگفت‌انگیزش قرن عجیب و غریب و پیچیده‌ای است. انسانهایی موفق و پیروزند که آرامش و آسایش داشته باشند و این آسودگی زمانی حاصل می‌شود که روح تفاهم و همکاری در کانون خانواده حکمفرما باشد. منیتها و غرورهای کاذب را باید رها کرد و خانه دل را از غبار خودخواهی و منیتهای شیطانی پاک کرد تا «من» و «تو» تبدیل به «ما» شود و کثرت در وحدت موج زند.

عزیزان! دلها را با نور ایمان و عشق با وحدت به یکدیگر پیوند زنید و از این پیوستگی، درخت زندگی را شاداب و تنومند سازید و این مطلب را به یاد داشته باشید که انسانهای قدرتمند تاریخ و مذهب در پیچ و خم زندگی، در اوج بحرانها و مشقتها به کمال رسیده‌اند و با تجسم اخلاقی جانانه، آرمان‌نهایی خود را دوباره خلق کرده‌اند و از جاده ایمان راهی به سوی کمال باز کرده، بر پله‌های پیروزی گام نهاده‌اند. خداوند به تعداد سنگریزه‌ها و امواج دریاها و طلوعها و غروبها و برگهای درختان، شادی و نشاط و موفقیت خلق فرموده است، تنها کافی است دست دراز کنید و از درخت تنومند اراده، و خورشید تابان همت، و اقیانوس بیکران علاقه و محبت، کمک بخواهید.

خداوند متعال امانتی را به انسان به عنوان خلیفه‌الله و تبارک‌الله احسن الخالقین عطا کرده و در نهادش به ودیعه نهاده است، که غیر قابل تصور می‌باشد و همان زمزمه محبت و عشق است.

عشقت رسد به فریاد ار خود به سان حافظ

قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

زوجه‌ها باید به این مطالب اساسی توجه کنند که در زندگی مشترک اصلی ساده‌ای وجود دارد، و آن عشق خالصانه و بدون قید و شرط است، که متأسفانه تعداد اندکی از آن بهره می‌برند. نکته مهم این است که همسران یا شوهران هنگامی متواضعانه و عاشقانه آمادگی مساعدت دارند که نسبت به طرف مقابل احساس خوشحالی و قدرشناسی داشته باشند. از سوی دیگر هنگامی که از شوهر و یا همسرشان گله داشته باشند، احساس می‌کنند که طرف مقابل برای او ارزشی قائل نیست پس آخرین چیزی که به نظرش می‌رسد، آسان‌تر کردن زندگی مشترک است.

عزیزم! زندگی نمایشنامه‌ای است که شما آن را می‌نویسید و شخصاً آن را اجرا می‌کنید. پس بیایید نویسنده و اجراکننده خوبی باشید تا زندگی به شما لبخند بزند و عمر را با حسرت تباه نسازید.

این جانب در این کتاب که دنباله کتاب قبلی خود، رموز موفقیت و خوشبختی از نشر پیکان می‌باشد که با الطاف الهی و محبت شما خوانندگان آگاه و فهیم چندمین چاپ خود را در یک سال می‌گذراند، تلاش کرده‌ام تا کوتاه‌ترین راه را با توجه به نظریات محققان و دانشمندان ارائه نمایم تا شاد و خرسند باشید و به هیچ وجه بر آن نیستم که از مردان یا زنان جانبداری کنم، بلکه حتی المقدور سعی دارم تا راهکارهایی مناسب ارائه دهم. امید است این جانب را از دعای خیرتان محروم نفرمایید.

تهران - بهار ۱۳۸۴، دکتر عباس عطاری کرمانی